



ملایان

اسد رخساریان

من در این برزخ اندیشه و غم
چه کنم دوزخ ملایان را؟
من نخواهم به بهشت ام ببرند
چه کنم درد مسلمانان را؟

این پدر سوخته ها می سوزند
بر در خانه ای من قرآن را
به غم و خون دل آغشته کنند
بر سر سفره ای ملت نان را

من از این واقعه گنج و ویج
چه دهم شرح چنین دستان را
سینه چاکان به یک الله اکبر
می رمانند ز خود شیطان را

می خروشنند پی یک لبخند
می درانند دگر انسان را
یک صلوات کذا یعنی مرگ
دگر اندیش و دگر باشان را

این چنین است که شه شیخ شریف
متحد کرده همه دزدان را
داده به غزه و لبنان و یمن
نفت سرتاسر خوزستان را

هدیه داده به ددان و دیوان
طبرستان و دگر گیلان را
مسند و پول کلان بخشیده
هر عباپوشی و هر حیوان را

غده ای دم زند از خوف و خطر
روز و شب امت سرگردان را
به نهیبی سر جا بنشانند
مجلسی ها و رجزخوانان را

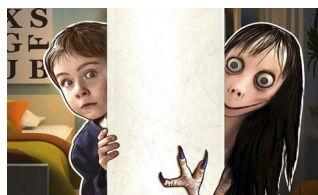
تیشه بر ریشه ای خود می زند او
مزدگانی در قفس شیران را
این ندایی ست که برخاسته است!

بگشایید در زندان را
ملتی گشته ز تو زار، ای شیخ!
کراوات و کت و شلوار، ای شیخ!

«هشدار» به خانواده ها

آیا Momo همچون «نهنگ آبی» خطرناک است؟
بهرام رحمانی

به گزارش پلیس و خبرگزاری ها، به تازگی یک بازی آنلاین جدید و ترسناک در شبکه های اجتماعی فراگیر شده است. خانواده ها و کارشناسان بیم آن دارند که این بازی آنلاین پدیده مشابه «نهنگ آبی» باشد و جان نوجوانان را به خطر بیندازد.



متأسفانه سیستم سرمایه داری و تولید آن در غیاب جنبش های قوی انسان دوستانه و برابری طلبانه نه بر اساس نیازهای واقعی انسان، بلکه بر اساس کسب سود بیش تر برای

کارفرمایان و صاحبان سرمایه و صنایع تولید و توزیع می شوند. اگر این تولیدات زندگی انسان و محیط زیست آن و حتی سلامتی کودکان را به خطر بیندازند کمترین اهمیتی برای آن ها و دولت های حامی و حافظ سرمایه ندارد. یکی از این عرصه ها مربوط به تولید فیلم ها، بازی ها و اسباب بازی های کودکان است. بازی خطرناک مومو که به تازگی به شهرت رسیده است، یک ماجرای ترسناک و خطرناک بوده که منجر به ایجاد ترس، دلهره، تهدید و صدمات روحی به نوجوانان و کودکان می شود. کارشناسان خطرات مومو را در سطح خطر نهنگ آبی دانسته و از این رو، به خانواده ها هشدار می دهند که مراقب فعالیت های کودکان خود در فضای مجازی باشند تا گرفتار این گونه بازی های هولناک نشوند. این بازی در محیط واتس اپ در حال رشد و فعالیت بوده و همچون بازی نهنگ آبی نیازی به نصب برنامه ای جداگانه ندارد.

امروز اغلب کودکان دسترسی به این نوع بازی ها دارند در نتیجه ضرورت دارد خانواده هایی که کودک و نوجوان دارند با جدیت به این هشدارها توجه کنند تا احتمالاً فرزندان شان و خودشان دچار مصیبت نشوند. چرا که این بازی برای کودکان و نوجوانان بسیار خطرناک است.

مومو یک اکانت در محیط فیس بوک است که به تازگی در واتس اپ نیز در حال فعالیت است. تصویر پروفایل این اکانت بسیار ترسناک طراحی شده است که تصویری از یک مجسمه در نمایشگاه توکیو (ژاپن) است. این بازی به محض این که کاربر به آن پیام دهد آغاز شود و ممکن است تا مدت ها روی کاربر تأثیرات منفی بگذارد.

کاربر می تواند با جستجوی عبارت Momo در واتس اپ، به این حساب کاربری دسترسی پیدا کند و پس از آن با ارسال یک پیام، به گفتگو با مومو بپردازد. پس از این که گفتگو آغاز شد، حال مومو اطلاعات کاربری شما را در اختیار خود دارد و می تواند حتی بدون این که شما خواسته باشید، برایتان پیام های مختلف که عمدتاً حاوی ویدیوها، تصاویر و متون ترسناک و تهدیدآمیز است، ارسال کند. شما نمی توانید پایانی برای این پیام ها در نظر بگیرید و مومو تا هر زمانی که بخواهد می تواند به شما پیام ارسال کند.

حتی در زمانی که شما اپلیکیشن واتس اپ خود را پاک کنید و یا به طور کلی حذف اکانت داشته باشید نیز، همچنان مومو به ارسال پیامک و یا تماس با شما خواهد پرداخت. چرا که از طریق ایجاد ارتباط واتس اپ، توانسته به شماره تلفن شما دست پیدا کند.

واقعا خطرات مومو چیست؟ اگر ناخواسته خود یا فرزندتان در این بازی شرکت کرده است، برای مقابله با آن چه راهکارهایی توصیه شده است؟ قبل از هر چیز باید بدانید که واتس اپ یک اپلیکیشن کاملاً رمزنگاری شده است و اکانت ها می توانند در آن به صورت ناشناس ثبت شوند. این بدان معنی است که والدین و حتی پلیس باید برای شناسایی و تعقیب اکانت ها، زمان زیادی را صرف کنند.

ادامه در ص 7



بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

کمون

گسترش اعتراض و اعتصاب در ایران در مقابل

گرانی و فقر و سرکوب دولتی!

امروز جمعه ششم مهر 1397 - بیست و هشتم سپتامبر 2018، اعتصاب سراسری کامیون‌داران در شهرهای ایران، همچنان ادامه دارد.

اکنون بحران اقتصادی ایران، برای هیچ‌کس قابل انکار نیست. در کشوری که در طول چند ساعت دلار از 15 و 16 هزار تومان به 18 و 19 هزار تومان می‌رسد؛ به‌همان نسبت نیز ارزش پولی ریال سقوط می‌کند و قدرت خرید مردم نیز به‌شدت پایین می‌آید. در این چند ماه گذشته، قیمت بسیاری از کالاهای ضروری مردم گران‌تر شده است در حالی که دستمزدهای ناچیز در همان سطح باقی مانده است. به‌گفته مسئولین در روزهای اخیر سبب زمینی 44 درصد افزایش یافته و گوچه فرنگی کمیاب شده است. این وضعیت زندگی خطر سونامی گرانی، فقر و بیکاری وسیع را برای اکثریت مردم ایران، به‌ویژه مزدبگیران به‌صدا درآمده است.

اما طبقه کارگر و مردم آزاده، هرگز مرعوب این فضای رعب و وحشت حکومت اسلامی نشده و هم‌اکنون مجموعه‌ای از اعتراض‌ها و اعتصابات در سراسر ایران در جریان است.

اعتصاب کامیون‌داران در بیش از 30 استان کشور در روز جمعه ششم مهر ماه، از جمله در شهرهای سبزوار، یزد، دیواندره، نجف آباد، تهران، اصفهان، نیشابور، قزوین، کرمانشاه، اردبیل، اهواز، شوش، زنجان، زرین‌شهر، تبریز و سیرجان ادامه دارد. دور جدید اعتصاب کامیون‌داران از شنبه 31 شهریور، شروع شده است.

منابع خبری از بازداشت حدود یکصد نفر خبر داده‌اند، سایت‌های خبری رسمی وابسته به حکومت ایران نیز این بازداشت‌ها را تایید کرده‌اند. خبرگزاری ایسنا، از بازداشت حدود 20 کامیون‌دار معترض در استان البرز خبر داد. از سوی دیگر، در استان قزوین حدود ۲۵ نفر دستگیر شدند. در همین رابطه، خبرآنلاین از بازداشت حدود 20 نفر در استان فارس خبر داده است.

رئیس کل دادگستری اصفهان، ادعا کرد: 13 نفر که اقدام به‌متعرض، توقف و وارد آوردن آسیب به کامیون‌های حمل سوخت و بار در حال تردد در راه‌های مواصلاتی اصفهان می‌کردند، بازداشت شدند. همچنین دادستان استان البرز نیز اعلام کرد در کرج 8 تن دستگیر شده‌اند. هم‌زمان دادستانی اردبیل نیز خبر از دستگیری 8 تن داده است.

نیروی انتظامی حکومت اسلامی، بی‌شمارانه و وقیحانه بازداشت‌شدگان را «ارادل و اوباش» و «مخلان نظم» نامید که به‌کامیون‌ها حمله می‌کنند. رسانه‌های حکومتی نیز از «حرکات مشکوک گروهی برای جلوگیری از تردد کامیون‌ها در جاده‌ها»، نوشته‌اند تا زمینه‌ها برای برخورد شدیدتر با اعتصاب رانندگان کامیون آماده شود. با گسترش مبارزات رانندگان کامیون موجی از همبستگی با این اعتراضات به راه افتاده است. از جمله شب پنجم مهرماه فاصله ساعت 9 تا 11 شب طوفان تویتری در حمایت از اعتصابات رانندگان کامیون به جریان افتاده است. همچنین ناوگان مسافربری خوزستان در حمایت از اعتصاب سراسری رانندگان ناوگان دست به اعتصاب زدند و کلیه سرویس‌های خود به‌دیگر استان‌ها را لغو کردند. شرکت‌های مسافربری ایران‌پما، همسفر، تی‌بی‌تی، رویال سفر و... مستقر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، ایذه و دیگر شهرهای استان خوزستان نیز روز چهارم مهرماه در حمایت از اعتصاب رانندگان کامیون غرفه‌های فروش پلیت را تعطیل و سرویس‌های خود را لغو کردند.

رانندگان کامیون و کامیون‌داران خواست‌های خود را در 17 بند توضیح داده و محورهای اصلی اعتراضات‌شان را اعتراض به گرانی، بیکاری، نداشتن امنیت شغلی، دزدی و چپاول، حقوق‌های ناچیز و تعویق در پرداخت حقوق‌ها، و نداشتن حق ایجاد تشکل و وعده‌های پوچ و توخالی مقامات مسئول اعلام کرده‌اند. رانندگان اعتصابی همچنین خواهان افزایش دستمزد رانندگان، افزایش کرایه کامیون، افزایش مستمری بازنشستگی رانندگان، ارتقاء سطح امنیت در جاده‌ها، نوسازی تشکلهای صنفی رانندگان و کامیون‌داران از طریق انتخابات آزاد، ایجاد تسهیلات رفاهی و بهداشتی برای رانندگان در پایانه‌های شهری و مرزی هستند. و این‌ها همه محور اعتراضات کل جامعه علیه حکومت اسلامی است. رانندگان کامیون خواستار پایان دادن به این همه ظلم و نابرابری در جامعه شده‌اند.

اما اعتراض و اعتصاب در ایران محدود به رانندگان و کامیون‌داران محدود نبوده و دامنه گسترده‌تری دارد از جمله حدود 80 نفر از کارکنان دفاتر سهام عدالت که تحت مدیریت سازمان خصوصی‌سازی در دفاتر استانی کشور فعالیت دارند، از روز یکشنبه یکم مهر ماه تاکنون در اعتراض به‌مشخص نبودن وضعیت شغلی و دریافت نکردن حقوق طی 42 ماه گذشته دست از کار کشیده و به‌تهران سفر کرده‌اند. معترضان با وجود این‌که طی روزهای گذشته، شب‌ها را در خیابان سپری کرده‌اند، پایان اعتراض خود را به دریافت موقت مزایای شان منوط کرده‌اند.

353 دفاتر شرکت‌های تعاونی سهام عدالت حدود 1500 نفر مشغول کارند که جدا از مطالبات مزای دیگر اعتراض آن‌ها، مربوط به‌پرداخت نشدن حق بیمه به‌سازمان تامین اجتماعی است که مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران «تولی‌پرس» و «بسته‌بندی البرز» در این دو کارخانه در شهرک صنعتی البرز قزوین؛ به‌گزارش خبرگزاری ایلنا، تجمع‌کنندگان دو کارخانه «تولی‌پرس» و «بسته‌بندی البرز» که شمار آن‌ها حدود 400 تن برآورد می‌شد، در اعتراض به افزایش تعطیلی‌های مکرر این دو واحد، از روز شنبه اعتصاب و تجمع کردند.

کارفرما از روز 27 مرداد، با اعلام تعطیلی موقت کارخانه به‌مدت دو هفته، بیش از 400 کارگر این دو واحد تولیدی را به‌ممرخصی اجباری فرستاده و تاکنون این تعطیلات به‌بهانه‌های مختلف ادامه یافته است.

باغداران، چاه‌داران و کشاورزان شرق اصفهان، حوضه آبریز زاینده‌رود در اعتراض به‌اجرایی نشدن وعده‌های مسئولان مبنی بر جاری شدن آب رودخانه زاینده‌رود در فصل پاییز و رعایت نشدن حق آب‌هایشان، دست به‌تجمع و اعتراض زدند. این نخستین بار نیست که کشاورزان اصفهان دست به‌اعتراض می‌زنند. دور اخیر اعتراضات کشاورزان اصفهانی از اواسط اسفند 96 آغاز شد. از آن زمان شماری از کشاورزان اصفهانی بارها در اعتراض به خشک‌سالی و عدم دریافت حق آب‌شان راهپیمایی کردند.

350 هزار نفر در شرق استان اصفهان از طریق کشاورزی گذران می‌کنند. انتقال 400 میلیون متر مکعب آب از حق‌آبه استان اصفهان به یزد، زندگی آن‌ها را به‌خطر انداخته است.

شش تن که در تجمع معلمان در 20 اردیبهشت امسال بازداشت شده بودند، از سوی شعبه 1060 دادگاه کیفری هر یک به‌تعمیل 9 ماه حبس تعزیری و پرداخت 50 هزار تومان جریمه نقدی بدل از 74 ضربه شلاق محکوم شدند. بر اساس این گزارش که دوشنبه دوم مهر منتشر شد، محکوم‌شدگان، عالیه اقدام‌دوست، عضو اتحادیه بازنشستگان، رسول باذقی، بازرس سابق کانون صنفی معلمان تهران، اسماعیل گرامی، جواد ذوالنوری، حسین غلامی و محمد عابدی هستند.

اتهام این معلمان، اخلاص در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی و تمرد نسبت به مأمورین حین انجام وظیفه، عنوان شده است.

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

*بهرام رحمانی
امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

*اهون چیاکو
امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشیزست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دموکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکلهای توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

«آیا خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی

در ایران امکان‌پذیر است؟»

متن سخنرانی بسیی شاماری در اسلو - 26 اوت 2018

قسمت دوم و پایانی
ما تاکنون در جهت شناسایی اهداف و سیاست‌هایمان، چندین کنفرانس برگزار کرده، ده‌ها گفتگوی رادیو و تلویزیونی انجام داده‌ایم. نشریه کمون، ارگان پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، هر دو هفته منتشر می‌شود و تاکنون 13 شماره آن منتشر شده است. همچنین ما با انتشار بیانییه‌ها و اطلاعیه‌هایی بر علیه حکومت اسلامی ایران، از اعتراضات کارگران، زنان، دانشجویان و خلق‌های ایران حمایت و پشتیبانی می‌کنیم. به علاوه به‌زودی سایت رسمی پلاتفرم فعالیت خود را به زبان‌های انگلیسی، کردی، ترکی و فارسی آغاز خواهد کرد. در واقع ما فعالیت‌هایمان را همزمان در دو عرصه نظری و عملی پیش می‌بریم. در این راستا، بیش‌ترین تلاش ما معطوف به داخل ایران است. خطاب عمده ما در جامعه ایران، به جنبش‌ها و خلق‌های تحت ستم، به‌خصوص نیروهای جوان است. ما یک جامعه دموکراتیک و شورایی بدون «دولت - ملت» را تبلیغ و ترویج می‌کنیم و هر جا هم امکان دارد به شکل‌گیری شوراهای و مجالس عمومی و دیگر نهادهای دموکراتیک فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنیم.

در خارج کشور هم تلاش می‌کنیم شوراهای هماهنگی در کشورها و شهرها مختلف به وجود آوریم. نهایتاً تا اواخر امسال و یا در ماه‌های آینده سال 2019، کنگره پلاتفرم را برگزار خواهیم کرد. به‌علاوه، ما اعلام کرده‌ایم که عرصه حصریم با همه نیروهای ضدکاپیتالیست، برابری طلب، فمینیست، آنارشیت، اکولوژیست، سوسیالیست و کمونیست علیه حکومت اسلامی ایران با هدف سرنگونی کلیت آن همکاری کنیم. عضویت در پلاتفرم به افراد محدود نبوده و سازمان‌ها و احزاب چپ و آزادی‌خواه و نهادهای دموکراتیک علاقه‌مند نیز می‌توانند عضو آن شوند. همان‌طور که گفتیم فعالیت ما شبکه‌ای و شورایی است و عضویت افراد و نهادهای و سازمان‌ها و احزاب ضد مدنیته سرمایه‌داری را در برمی‌گیرد.

روشن است که برای ساختن یک جامعه واقعا آزاد، دموکراتیک و رهایی از استثمار و بردگی مزدی، اتحاد و مبارزه مشترک همه این نیروهایی که اشاره کردم امری ضروری است. به‌طور کلی، ما از دو مرحله متفاوت گذار خواهیم کرد: 1- سرنگونی حکومت اسلامی ایران. 2- دوران نوین پس حکومت اسلامی. مرحله کنونی که مرحله سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران است همان‌طور که اشاره شد ما در این دوره آماده‌ایم با همه نیروهای چپ و برابری طلب و آزادی‌خواه و انقلابی همکاری کنیم و هیچ مانعی نه در مقابل خود نمی‌بینیم و نه شرطی و مانعی در مقابل دوستان خود قرار می‌دهیم. علاوه بر این، ما در این مرحله، خودمدیریتی دموکراتیک شورایی را نیز تبلیغ و ترویج می‌کنیم.

مرحله دوم، پس از سرنگونی حکومت اسلامی است که در این دوره نیز ما در مقابل سیاست‌های دولت‌گرا و ملت‌گرا، همچنان بر تاسیس کنفدرالیسم دموکراتیک با رد محکم دولت - ملت، تاکید خواهیم ورزید.

در زندگی و فعالیت کمونال، با وجود تفاوت‌ها، تاکید ما بر وحدت‌طلبی و همبستگی و زندگی طبیعی است. اساساً یک وجه مهم جوهر یک جامعه دموکراتیک، غلبه بر کنورت‌ها، مناقشه‌ها و کشمکش‌های تاریخی بین خلق‌های مختلف ایران و حتی منطقه و جهان است. شرط ساختن یک جامعه واقعا دموکراتیک و سوسیالیستی، برخورداری از یک ریشه مشترک متکی بر صفت، ملیت، جنسیت، رنگ و یا پیوند خونی نیست، بلکه مورد اساسی اجین شدن رابطه انسان با طبیعت و جامعه است.

مدل کنفدرالیسم دموکراتیک و یا خودمدیریتی دموکراتیک شورایی، تلاش می‌کند روحیه همبستگی و فعالیت جمعی برابری طلبانه را در جامعه رشد و رواج دهد. جنبش ما جهت چاره‌یابی مسائل سیاسی - اجتماعی برای پس حکومت اسلامی، تاسیس کنفدرالیسم

دموکراتیک در سراسر جامعه ایران را مینا قرار داده است. از این‌رو، تلاش ما بر این است که توجه جنبش‌ها و خلق‌های ایران را به این مدل سیاسی جلب کنیم.

ما بر تاسیس شوراهای، آکادمی‌ها، کمون‌ها، مجالس خلق، تعاونی‌ها و سازمان‌دهی دفاع عمومی تاکید داریم. چرا که برای پایان دادن به خودبیگانگی انسان‌ها در جامعه، باید زمینه فعالیت مشترک آن‌ها را فراهم کرد. افق و چشم انداز روشن و ملموسی در برابر جامعه قرار داد. برای مثال، اگر قرار است در آینده، دولت و ملت خودی ساخته شود با این اهداف و جهت گیری‌هایی که ما اشاره کردیم مغایر است. اما اگر قرار است جامعه پس از حکومت اسلامی از فلسفه «دولت - ملت» خودی عبور کند باید راه‌حل و اهداف اداره جامعه را در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاع عمومی، دیپلماسی و غیره شفافیت بخشد. به این دلیل نیز موضوع سازنده و شکل‌دهی به‌ذهنیت حیات اجتماعی، باید به‌دور از هرگونه تفکر دولت‌گرایی و ملی‌گرایی باشد. بدون فعالیت و تلاش کافی در این خصوص، عبور از مسائل و موانع و برپایی یک جامعه دموکراتیک سخت و دشوار است.

جوهر کنفدرالیسم دموکراتیک، این است که راه و روش آزاد اندیشیدن، آزاد شدن و آزاد بستن را به جامعه نشان دهد. در این چارچوب نیز متحول ساختن سازمان‌یابی و شخصیتی شهروندان، از بنیادی‌ترین اهداف فعالیت‌های ماست. بدون این تحولات سازمانی و ذهنی مهم، ساختن جامعه آزاد و خودمدیر، و همچنین ایفای نقش در این راستا ممکن نیست.

ضرورت دارد که گرایشات جدی دموکراتیک و سوسیالیستی و انقلابی، برای ارتقا سطح مشارکت و زندگی کمونالیسم و جمعی در روند ساختن یک جامعه واقعا آزاد و خودگردان، تمام سعی و کوشش خود را به کار گیرند. به‌عبارتی دیگر، ارتقا آگاهی و شخصیت دادن به شهروندان در سطوح بالایی نیاز دارد که در مبارزه تاریخی برای آزادی و رهایی از بردگی پیش روی ما قرار دارد.

توضیح: قسمت دوم این سخنرانی در شماره بعدی کمون منتشر خواهد شد.

منظور از کنفدرالیسم دموکراتیک، کنفدرالیسم جامعه است. یعنی کنفدرالیسم، به‌معنای مردم آزاد و دموکرات است. مردم آزاد نیز به‌معنای ساختار جامعه‌ای است که خارج از محدوده دولت قرار گرفته است.

در کنفدرالیسم دموکراتیک، دموکراسی مستقیم است نه دموکراسی رایج و نیابتی موجود در جامعه سرمایه‌داری. به علاوه این کنفدرالیسم، نه توسط دولت، بلکه توسط مردم آزادی‌خواه و برابری طلب مخالف هرگونه تبعیض و نابرابری ملی، جنسی و کاپیتالیستی ساخته می‌شود. نیروهایی که به تاسیس جامعه کنفدرال مبادرت می‌ورزند، در واقع پایه‌های مدیریت خویش را در مبارزه پیگیر با ستم ملی و استثمار مستحکم می‌کنند.

در این اندیشه، شهروندان در هر مکانی، سازمان‌های متعدد خود را به وجود می‌آورند و این سازمان‌ها نیز از طریق کنفدرالیسم دموکراتیک خود را به یکدیگر مرتبط می‌سازند. کنفدرالیسم دموکراتیک به‌معنای سیستم سازمان‌های اجتماعی است. موسسات اجتماعی می‌توانند در کنفدرالیسم دموکراتیک جای گرفته و به بیان مطالبات خود بپردازند.

این نوع از ارتباطات، آزادی را در خود و در جامعه بازتولید می‌کند. ارتباطات وسیع انسانی و برابر و داوطلبانه را در بطن خویش می‌پروراند. دموکراسی مستقیم خارج از محدوده دولت را در جامعه رشد می‌دهد. در کنفدرالیسم دموکراتیک، تمامی اقشار جامعه، یعنی زنان، جوانان، کارگران و حتی اقلیت‌های ملی و مذهبی نیز با تفاوت‌های اجتماعی‌شان دخالت مستقیم دارند.

این جامعه نه به رقابت و تجزیه درونی، بلکه به اتحاد و همبستگی می‌اندیشد. در این راه، شرط اساسی زندگی اجتماعی و حفظ حرمت و موجودیت انسان در فضای آزاد، برابر و دموکراتیک است. اجزای کنفدرالیسم دموکراتیک، به مثابه بخش یا جزئی از جامعه طبیعی دارای جایگاه و احترام خود هستند. اجزای جامعه‌ای که نه به صورت سلسله مراتب کاپیتالیستی، بلکه به موازات هم و در کنار یکدیگر و دست در دست هم حرکت می‌کنند. یعنی انسان‌ها بر اساس موازین آزاد و برابر و آگاهانه با یکدیگر متحد می‌شوند.

در کنفدرالیسم دموکراتیک هر جزء، بخش و سازمان ابتکار عمل مستقیم دارد. برای این‌که این اجزا بتوانند ساختار جامعه‌ای نیرومند را بنا نهند، بایستی همه اجزاء و عناصر آن متحد گردند. برای این‌که متحد شوند نیز به هم‌آهنگی نیاز دارند.

شوراهای، مجالس مردمی، کمیته‌ها، واحدها و سازمان‌های مختلف ابتکار عمل خود را دارند. ما این سیستم را در هر شرایطی، در مقابل جامعه قرار می‌دهیم و آن را تعطیل نمی‌کنیم.

در تاریخ دیده‌ایم که کارگران و خلق‌های محروم و اقشار ستمدیده با جانفشانی‌های زیادی با انقلاب خود سیستم دولت را سرنگون کرده‌اند، اما نهایت دولت دیگری را به قدرت رسانده‌اند. این چرخه تاکنون همچنان از سوی نیروهای ضدسرمایه‌داری و انقلابیون تکرار شده است.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، به این دلیل تاسیس شده است که از قدرت‌طلبی‌ها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها و آسیب دیدن اتحاد و همبستگی طبقاتی و انسانی جلوگیری کند. باید فضایی به وجود آورد تا افراد و نهادهای و نیروهای آزادی‌خواه و برابری طلب و عدالت‌جو مجال بروز خلاقیت‌ها و استعدادهایشان را پیدا کنند؛ همه به فکر خروج از وضع موجود باشند؛ همه به آفرینش بپردازند، همه از آزادی اندیشه و قلم و تشکل برخوردار گردند تا بر این اساس، انرژی نیروهای اجتماعی به‌طوری آزاد شود که امکان رشد و گسترش کافی داشته باشند. انسان‌ها، باید ارگان‌ها و نهادهای دل‌خواه خود را به وجود آورند و میدان عمل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آزادانه ای پیدا کنند. چنین انسان‌هایی هرگز زیر بار زور و قدرت نمی‌روند و خواهان دخالت مستقیم در مدیریت و اداره جامعه خویش می‌شوند.

در مدل سیاسی کنفدرال، علاقه توده‌ها به سیاست و سایر امور جامعه، افزایش می‌یابد و به خودبیگانگی و سیاست‌گریزی پایان داده می‌شود. از این‌رو، کنفدرالیسم دموکراتیک سیستمی است که راه را برای مشارکت عموم جامعه هموار می‌سازد. کنفدرالیسم دموکراتیک، مستقیماً جامعه و فرد را تشویق می‌کند که تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل خود را در رفع مشکلات جامعه به کار اندازند. بدین صورت، محیطی ثمربخش و پرنشاط برای سیاست و سازمان‌دهی ایجاد می‌کند.

هر واحدی که در سازماندهی کمونالیسم جای می‌گیرد استقلال خود را داراست. چرا که مستقیماً مسئول سازمان‌دهی مناطق خود است. هر واحد، سازماندهی خود را در میان کارگران، زنان، جوانان، اندیشه‌ورزان و دیگر اقشار اجتماعی دارد. زنان و جوانان و دیگر بخش‌های اجتماعی با سازمان‌دهی خود می‌توانند این واحدها را به قدرت بسیار تاثیرگذاری ارتقا دهند. این واحدها، نقش دموکراتیزه کردن جامعه را ایفا کرده و نیز دموکراسی را غنی کرده، تعمیق داده و همه بخش‌ها را سازمان‌دهی می‌کند. روشن است که بدون مشارکت عمومی و در جامعه‌ای از خود بیگانه دموکراسی، آزادی و سوسیالیسم تحقق نمی‌یابد.

اساساً یک وجه مهم هر انقلابی، تغییری است که در وضعیت اجتماعی زنان ایجاد می‌کند. احتمالاً یکی از دقیق‌ترین معیارهای سنجش مترقی بودن یک جنبش و یک نماد دموکراتیک بودن یک انقلاب، رشد آگاهی اجتماعی زنان و تغییر شرایط زیستی آنان به‌سوی بهتر شدن است.

این‌که زنان، به‌طور عملی دوشادوش مردان در فرایند انقلابی شرکت کنند، البته در جای خود نمود رشد دموکراتیک آن جنبش مفروض است، اما در ادامه در ص 5



رهائی زنان شرط رهائی جامعه: چارلز فوریه

مراد عظیمی

زنان در مبارزه شان علیه تحمیل پوشش جمهوری اسلامی، که جزئی از مبارزه رهائی بخش آن‌ها بوده است، با وجود شرایط سرکوب و اختناق شجاعانه در ظرفیت فردی به‌گونه‌هایی پوشش اسلامی را رعایت نکردند. البته، زنان در همین حد از مبارزه تاوان سنگین نیز می‌دادند. داعش‌های جمهوری اسلامی، با تکه‌های تیغ داخل دستمال لبان زنان رنگ‌شده را پاره‌پاره می‌کردند. به‌زنانی که با عمل‌شان علیه تحمیل حجاب مبارزه می‌کردند، توهین می‌کردند، زن‌های داعشی جمهوری اسلامی زنان را به‌جرم بدحجابی دستگیر می‌کردند. مطابق قانون بر قانون جمهوری اسلامی، 2 ماه حبس جریمه بدحجابی و 20 ضربه شلاق جریمه بد پوششی است. اما، با تداوم مبارزه گوناگون زنان بر متن اختناق، سرکوب، دزدی، غارت، استعمار، بیکاری، تن‌فروشی، اعتیاد، گورخوابی، ملاحور شدن دستمزد، به‌یک کلام نابسان‌های اجتماعی و ناخوشنودی مردم، رژیم دیکتاتوری مجبور شد در پوشش اسلامی زنان جزء ناچیزی عقب‌نشینی کند. قدری روسری پس رفت، و رنگ‌های شاد لباس زنان ظاهر شدند. ولی، طبیعی بود که زنان به‌این حد از عقب‌نشینی رژیم ارتجاع و سرکوب تمکین نکردند. از سوی دیگر، رژیم چهل و خرافات و توحش عقب‌نشینی تا حد به‌رسمیت شناختن حق پوشش زنان را سرنگونی حکومت خدائی می‌دید. آخوندها اشتباه نمی‌کردند و به‌این دلیل همچنان با وحشی‌گری علیه آزادی حق پوشش زنان مخالفت کرده‌اند، تا زنان با انقلاب‌شان انتخاب پوشش و حقوق لگدمال شده‌شان را کسب کنند.

تحمیل پوشش مذهبی نماد سلب مجموعه‌ای از حقوق اجتماعی و وارد کردن شرایط غیرانسانی زیست و زندگی برای زنان و مردان بوده است. اعمال به‌زور پوشش حجاب مذهبی زمینه‌ای برای به‌شدن لشگرهای داعشی ایران شد. با تحمیل پوشش جمهوری اسلامی، گنداب متحرک‌ترین روحیات مردسالاری و ستم به زنان را تکان داد و به‌هم زد. با تحمیل حجاب اسلامی بود که رژیم بسیج نیرو نمود و در اولین به‌اصطلاح بهار آزادی به‌کردستان دژ مقاومت علیه بر پا شدن توحش اسلامی یورش برد.

در پیامد تحمیل پوشش اسلامی، سپاه توحش اسلام به‌شکل‌ها، جمع‌ها، تظاهرات، به‌صفت کارگران بیکار حمله کردند و کارگران را زخمی کرده و کشتند. به‌شوراهای موسسات تولیدی-خدماتی هجوم برده و سرکوب کردند. یا شوراهای کارگری را از محتوا تهی نمودند.

با سرکوب حق انتخاب پوشش زنان، چندهمسری رواج یافت، ازدواج با دختر بچه‌های 9 ساله، یا بچه‌بازی از سوی مرد رواج کرد. این رسم را محمد بانی اسلام به‌مردان سوغات آورد. محمد، مردی با سنی بالای 50 سال عایشه دختر هفت ساله را به‌عنوان نامزد به‌خانه‌اش برد و در 9 سالگی با وی ازدواج کرد و در حقیقت بوی تجاوز نمود. در رژیم پیشین دیکتاتوری شاه چند همسری (1) و صیغه، گونه تن‌فروشی مذهب شیعه در حاشیه جامعه نفس می‌کشید. در آن زمان، صحن مشهد جانی برای پیدا کردن مشتری از سوی تن‌فروشان و همچنین قطب جاذبه صیغه گردن بود. ولی، امروز آن چهره گذشته مشهد بسیار فاسدتر و مشمزن‌کننده‌تر شده است. اگر، اروپائیان برای سفر سسکس به تایلند می‌روند، عراقی‌ها تحت بهانه زیارت برای سسکس به مشهد می‌آیند. نقل این خبر بسیار گویاست:

«حساسیت عمومی درباره تن‌فروشی زنان ایرانی به‌مشهد به‌ندپال آن بود که سایت تابناک نزدیک به‌حکومت اسلامی ایران بخش کرد.

گزارشی که البته بدن پاک شد، گزارش در مورد گسترده‌گی فساد در شهرهای مذهبی ایران و دایر شدن مراکز صیغه برای زائران خارجی در مشهد، موجی از نارضایتی محلی ایجاد کرده است. در این گزارش، گفته شده بود که زائران عراقی به‌بهانه زیارت، به‌مشهد از اماکن مقدس شیعیان می‌آیند و در هتل‌ها خدمات جنسی هم دریافت می‌کنند. این اقدام عمدتاً توسط دلال‌هایی انجام می‌شود که با مراکز ازدواج موقت یا صیغه در ارتباط هستند. هرچند برخی از مسئولان ایران گسترده‌گی فساد در مشهد و شهرهای مذهبی دیگر را رد کردند، اما سیداحمد علم الهدی امام جمعه مشهد و نماینده ویژه علی خامنه‌ای در خراسان این موضوع را کتمان نکرد.» (خبرگزاری فرات، یک‌شنبه 12 شهریور 1397)

تحمیل اجباری حجاب به زنان هجوم حساب شده رژیم دیکتاتوری در حال تکوین به‌جبهه ضعیف از جامعه برون‌آمده از اختناق دیکتاتوری رژیم شاه بود. رژیم در اعمال زورمند حجاب اسلامی، سنت دیرینه مردسالاری بازمانده از رژیم دیکتاتوری پیشین را بیش از پیش ساختاری کرد. این طرح شوم و غیرانسانی حامیان وسیع اجتماعی از طیف راست تا چپ و عامه مردم، زن و مرد را مستقیم یا غیرمستقیم در کنار رژیم نوپای اختناق مذهبی گذاشت. وقتی خمینی مرتجع گفت زنان پوشش اسلامی داشته باشند، حزب توده و سازمان مجاهدین خلق به‌کنار، ناسلامتی از یک دوجین گرایشات گوناگون چپ و توده کارگران صدای حمایت و پشتیبانی از حق پوشش زنان شنیده نشد. تنها پیشروان زنان اقدام به‌تظاهرات کردند و دانش‌آموزان شجاع مدارس چند با تعطیل کردن مدارس به‌صفت تظاهرات زنان پیوستند. گرایشات از چپ با زدن انگ بورژوا به‌زنان تظاهرکننده در ظرفیت‌شان جاده صافکن تحمیل پوشش ارتجاعی اسلامی به‌زنان شدند. در این مصاف نابرابر حق انتخاب دموکراتیک پوشش زنان شکست خورد. اما، این شکست زنان در یک نبرد بود و نه شکست نهایی و تمکین زنان به‌شرعیات تحمیلی رژیم مردسالار ارتجاعی و سرکوبگر مذهب شیعه.

برابر با نظر سنجی وزارت کشور 84 درصد معترضین دی‌ماه سال 1396 زیر سنین 35 سال بودند. اینان نسل شجاع و بی‌پاک جوانان دختر و پسرمتولدین دهه 1370، و آغازگر انقلاب سکسی در ایران و تابوشکنان سنت‌های ارتجاعی و سالوسانه ایدئولوژی مذهب شیعه علیه زن و رابطه جنسی هستند. در رژیم دیکتاتوری پیشین دختران کمی نبودند که با رسیدن به‌سن نیاز جنسی با دوست پسرش می‌خوابید. این کنش زیباترین و طبیعی‌ترین عشق و بی‌واسطه هیچ شرط و انجام مراسمی بین دختر و پسر را تجلی می‌داد. ولی، زمانی بعد، برای خاطر ازدواج فردا و داشتن جواز بکارت دست نخورده، دختر مجبور از عمل جراحی و ترمیم پرده بکارت می‌شد. این نیز گفتمی است که اگر مردها بکارت داشتند پیش از ازدواج ده‌ها بار بکارت‌شان پاره شده بود. بی‌گمان تحت تاثیر انقلاب سکس دهه 1960 معادل دهه 1340، برای پیش زمینه‌سازی یک زندگی مشترک تفاهم‌آمیز بین دو زوج، دکتر خواجه نوری جامعه‌شناس پیشنهاد کرده بود جوانان دختر و پسر با هدف سامان دادن زندگی مشترک، به‌طور موقت برای مدت 6 ماه باهم زندگی کنند. ولی، توصیه دکتر خواجه نوری درفضای مسموم مردسالاری و سایه سپاه مذهب گوش شنوایی پیدا نکرد.

امروز، شمار دختران و پسران آغازگر زندگی مشترک بدون اجرای مراسم مسخره‌آمیز ازدواج سرمایه داری آن‌چنان زیادند که رژیم مصلحت دیده است چشم‌اش را به‌این پدیده ببندد. نسل انقلاب جنسی متولد دهه 1370، پرورش یافتگان ادبیات فمینیست‌های انقلاب سکس دهه 1960 غرب و نسل پدیدار شدن فضای مجازی اینترنت که دیوار سانسور ارتباطات فرهنگی رژیم اختناق و سرکوب را در نوریده است. دهه 1960 دوران پر جوش و خروشی بود. دهه 1960، ظهور انقلاب سکس بود. در این زمان بود که تابوهای جنسی در غرب به‌چالش کشیده شدند. با به‌بازآمدن قرص‌های ضدحاملگی، برای اولین‌بار دختران لذت هم‌خوابی بدون کاپوت را تجربه کردند. دهه 1960 جنبش عظیم اجتماعی حقوق مدنی مردم تحت ستم آفریقایی-آمریکایی در آمریکا بود. جنبش عظیم اجتماعی نسل جوان فرانسه بود. جنبش ضدجنسیت و بیتنام بود. جان لنس، هنرمند جاودانه و میلج جهانی عاری از جنگ و نابری (2)، در مبارزه علیه نفس وجود جنگ شعار عشق کنید نه جنگ را سرداد.

مقوله ازدواج مدرنیته سرمایه‌داری

1- تا پیش از اختراع ماشین چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ در سال 1440، انجیل در نسخ دست نویس بسیار اندک و به زبان یونانی منتشر خارج از دسترس مردم اروپا بود. کلیسا، مظهر اراده خدا در روی زمین، بنا به‌منافع و مصلحت‌اش از انجیل سخن می‌گفت و تعبیر و تفسیرش می‌کرد. اختراع ماشین چاپ و ترجمه‌اش به‌زبان‌های دیگر به‌انحصار گفتمان انجیل از سوی کلیسا پایان داد. مارتین لوتر کشیش آلمانی انجیل را به‌زبان آلمانی ترجمه کرد. در سال 1517، مارتین لوتر یک اطلاعیه حاوی 95 تیر در توضیح عفو گناهان افراد متمول، در ازای پرداخت پول از سوی پاپ صادر شده بود را با میخ بر روی درب کلیسای ویتنبرگ در آلمان کوبید، و آغازگر انشعاب در کلیسا و پدیدار شدن گرایش اصلاح‌طلبی، Reformation، پرتستان گردید.

نیت کشیش مارتین لوتر برای اصلاح دین مسیحیت، هم به‌منافع جنین سرمایه‌داری شد و هم مردمانی به‌لطف ماشین چاپ به‌متن انجیل دسترسی یافتند و با خواندن تناقضات انجیل مسیحیت را زیر سوال بردند. یک وجه مهم شک در دین مسیحیت تاثیرش در زمینه سکس پیش از ازدواج دختر و پسر و آغاز زندگی مشترک بین دوجنس برون از دایره دخالت کلیسا بروز نمود.

در قرون وسطی، نیاز نبود که زن و مرد، عاشق و معشوق، در کلیسا ازدواج کنند. برابر با اسناد ثبت شده دختر و پسر در راه داخل میخانه، پاپ، در منزل دوست، حتی داخل رختخواب با همدیگر ازدواج می‌کردند. تنها شرط ازدواج دوستی و رضایت دو طرف بود. در پیامد انشعاب در مذهب مسیحیت، در زمان ملکه الیزابت اول، ملکه انگلستان، در قرن شانزدهم، تقریباً یک سوم عروس‌ها در موقع مراسم ازدواج حامله بودند. (3) سخن کوتاه، هم‌خواهی شدن دختر و پسر پیش از ازدواج برجسب واژه مذهبی زنا نداشت، بلکه امری عادی تلقی می‌شد.

اما، با قوام گرفتن مدرنیته سرمایه‌داری ورق برگشت. قرن هیجدهم عصر شتاب‌آور خصوصی کردن زمین و بدن زنان گردید. در مورد اول، اراضی اشتراکی، یا عمومی، که قرن‌ها دهقانان برای چرا از آن‌ها استفاده می‌کردند، دورشان حصار کشیده شد، و به‌تملک ملاکین بزرگ درآمد. این فرایند به‌طور قانونی به‌مورد اجرا گذاشته شد. بین سال‌های 1740 تا اوایل قرن نوزدهم تعداد لایحه حصارکشی دور زمین‌های عمومی، اشتراکی، به‌تصویب پارلمان رسید. (4) عواقب این فرایند موضوع مطلب جاری نیست. گرچه، تاریخ‌دانان به‌فرایند حصارکشی زمین‌های اشتراکی، عمومی، پرداخته‌اند. ولی، کمتر به‌محدود کردن بدن زنان در قرن هیجدهم عطف توجه کرده‌اند. البته از تاریخ‌دانان لیبرال انتظار دیگری نمی‌شد داشت.

«تاثیرات محصور کردن بدن زنان هدفش تقسیم زنان به‌دو قشر بود: زنان ازدواج کرده کاملاً به‌تملک یا کنیز مرد سقوط کردند و زنی که هنوز ازدواج نکرده و یا شوهرش او را ترک کرده بود، اکنون به‌یک مرد یا برده دار تلقی نداشت، بلکه در معرض چاله ملک، دارانی، همگانی مردان می‌افتاد.

قطعه قانونی که به‌همان سفتی و سختی حصارکشی زمین‌ها بدن نسوان را حصر کرد لایحه ازدواج سال 1753، بود، که از طرف لرد هارودیو به پارلمان تقدیم شد: مطابق نص صریح این قانون محض هستی یا وجود قانونی زن با ازدواج به‌حالت تعلیق در می‌آید، و یا حد اقل وجود زن در وجود مرد ادغام می‌شد.» (5)

«ارتباط بین تصاحب زمین‌های عمومی، اشتراکی و تصاحب زنان به‌عنوان ملک شخصی مرد تصادفی نبود. درست به‌همان نحو که «زمین دار- سرمایه‌دار» خواستند زمین‌های گسترده‌ای را به‌چنگ آورند، آن‌ها بر این شدند تا پسران حقیقی (حلال‌زاده) وارث دارانی‌شان گردند. در آن زمان سرمایه‌داران آزمایش خون برای اثبات پدر واقعی فرزند را حتی در خواب هم ندیده بودند، و کسی نمی‌دانست دی‌ان‌ان (DNN) چیست. پس، راهحل سرمایه‌داران چه بود؟ آن‌ها دقیق‌ترین شیوه کنترل بدن زن را ابداع کردند. سرمایه‌داران این ترغند را بن غیرقانونی کردن تمام گونه‌های ازدواج مرسوم آن زمان، به‌جز یک نوع ازدواج رسمی و دائمی (در کلیسا و با

رہائی زنان شرط رهایی جامعه: ...

اجرا شدن قوانین بالا زن عملاً کنیز (برده مونث، مترجم) سرمایه دار گردید. در آغاز قرن 19 دورونی پدرسالاری آنچنان قوام گرفته بود، که وکیلی بهنام توماس ارسکین، در یک سخنرانی در پارلمان انگلستان ادعا کرد که زنا کردن بدترین جنایتی است که فردی مرتکب شود، البته، با این آگاهی که شنوندگان مرد می‌فهمیدند که منظور جناب ایشان اشاره به رفتار زنان است و نه مردها. (7) سرمایه‌داران برای سرپوش گذاشتن روی سلطه کامل بر بدن زنان و تصاحب دارایی، از سوی دیگر، با کلیسای انگلستان Anglican Church، میثاقی بستند: و حق دلداری در زندگی خصوصی افراد در اختیار کلیسا گذاشته شد و متقابلاً کلیسا شرط مشروع یا حلال‌زاده بودن فرزند مذکر به عنوان وارث پدر را تضمین کردند. مشابه ممر درآمد انجام ازدواج در کلیسا، این قرار داد هم منبع درآمد و هم موقعیت کلیسا را به عنوان مرجع تشخیص اخلاق جامعه، که در قرون شانزدهم و هفدهم رنگ باخته بود، دوباره زنده کرد. (7) بالاخره، بسیاری از صاحبان دارایی با چشم‌داشت مقام و دارایی دخترشان را با وجود میزبانی وادار می‌کردند با مردان قدرتمند ازدواج کنند. به گفته مری ول استون کرافت، اولین متفکر، مبارز و بنیان‌گذار جنبش فمینیسم این‌گونه از ازدواج‌ها را تن‌فروشی نامید (البته، این رسم پیش‌تر رواج داشته است. برای نمونه، برای افزون شدن قدرت، محمد با زنان روسای قبایل ازدواج کرد و دخترانی از خود را به مردان قدرتمند به شوهری داد!)

2- ازدواج در ایران نه بر اساس دوستی و رضایت، بلکه بر مبنای اسلامی، در اساس یک معامله تجاری خرید و فروش است. داماد در ازاء پرداخت و یا تعهد به پرداخت وجه معینی تحت نام مهریه عروس را می‌خرد. به سخن دیگر، این یک معامله تن‌فروشی است. این معامله را اخوند خطاب به عروس به این بیان: انکحتک و زوجتک نفسی الی صدای معلوم- ترجمه فارسی، یعنی عروس می‌گوید، من در برابر پول معینی که به من می‌دهی می‌توانی با من به خوابی- عملی می‌شود. (8)

همه کشورهای دنیای مدرنیته سرمایه‌داری به‌گونه‌هایی حکومت‌های مردسالاری‌اند و جمهوری اسلامی بدترین نوعش. جمهوری اسلامی، با بی‌شرمی عقل زن نصف مرد را توجیه می‌کند. چرا که، پذیرش برابری عقل زن و مرد یکی از ارکان پایه‌ای ایدئولوژی دین محمدی را زیر سوال می‌برد. مردسالاری برتری مرد و تحقیر زن را ذهنیت‌سازی می‌کند. برای این‌که مرد به اصطلاح آقا بالا سر زن باشد، باید زن تحقیر و دون بودن خود و برتر بودن مرد را بپذیرد. زشت‌ترین نمونه‌هایش فاطما همان‌دوها یا خواهران زینب‌اند که در خیابان‌ها به دختران و زنان امرونی می‌کنند، آن‌ها را دستگیر می‌کنند. ولی، دختران و زنان برای تن‌فروشی به دویی می‌روند، در مشهد مقدس‌شان تن‌فروشی می‌کنند، ولی رگ غیرت دامن‌های بسیجی نه با این کثافت‌ها، بلکه با دیدن روسری پس رفته زنان کلفت می‌شود.

مردسالاری در ابعاد گوناگون نابرابری، ستم و تحقیر و استثمار زنان را عیان می‌کند. نیروی کار ارزان زنان شاغل استثمار می‌شود، در منزل مفت و مجانی استثمار می‌شوند، تحت آزار و اذیت قرار گرفته و مورد تجاوز قرار می‌گیرند و غیره. مرد کارگر با ذهنیت مردسالاری همسرش را زن منزل می‌شمارد و نه شریک میدان مبارزه با سرمایه. به این دلیل است که در صف اعتراضات کارگری عموماً حضور همسران غایب است. سنت مردسالاری به نفع حکومت دزد جمهوری اسلامی طبقه کارگر را دوشقه کرده است. این تشتت و دو دستیگی در درون طبقه کارگر، به‌ویژه نسل بزرگسالان، هم محصول سنت مردسالاری کارگر مرد و هم نتیجه ذهنیت تمکین همسر زن به سنت مردسالاری است. آنچنان سنت مردسالاری طی قرن‌ها ذهنیت‌سازی شده است که زن و مرد، نظیر گفتن کلمه خدا حافظ که بزرگ و کوچک، زن و مرد، باورمند به ایدئولوژی مذهب و یا افراد لائیک، نماد نفوذ مذهب، رابطه برتری بودن مرد و دون بودن زن در جامعه ملکه شده است. فوتبال همه جا و از جمله

ایران، یک ایدئولوژی مذهبی است. جمهوری اسلامی، اجازه حضور دختران در ورزشگاه را نمی‌دهد. جوانان پسر می‌توانند با اعلام این‌که اگر ممنوعیت ورود دخترها به ورزشگاه‌ها لغو نشود، آن‌ها برای تماشا نخواهند رفت، ضربه سنگینی به آپارتاید جنسی رژیم وارد کنند. اما چرا، یک چنین کنش بسیار ساده و بی‌هزینه انجام نمی‌شود، نفوذ بختک مردسالاری در جوانان را برهنه می‌کند.

اما، نسل جوان زنان با خیزش دی‌ماه 1397، پرچمداران برابری جنسی و رهایی زنان‌اند. تا پیش از ویدا موحد دختران و زنانی چند حجاب اسلامی را به‌سفره گرفتند و از سر برداشتند، ولی حرکت تاریخی ویدا موحد سمبل و نماد برخاست رهایی زنان ایرانی است. ستم‌های مردسالاری سرمایه‌داری مدرنیته ایدئولوژی مذهب شیعه گردید، همچنان‌که شجاعت و نه ترس روزا پارکس آغازگر جنبش حقوق مدنی Civil Rights Movement، در آمریکا را کلید زد. روزا پارکس زن جوان افریقایی-آمریکایی در صندلی جلو اتوبوس نشسته بود. اتوبوس ایستاد و یک مسافر سفید پوست داخل اتوبوس شد. مسافر سفید پوست با تحکم از روزا خواست برود و در صندلی عقب بنشیند. روزا محکم و با متانت بوی گفت پشت صندلی خالی هست. سخن کوتاه، پلیس را خبر کردند، ولی روزا از جایش بلند نشد.

ملاحظات

1- رضا شاه 5 بار ازدواج کرد، دو همسر اول و دوم وی درگذشتند، و رضا شاه به‌حرمسرای کوچک سه همسر باقی‌مانده قناعت کردند! 2- جان لنون شعر و آهنگ ترانه جاودانه تصور کن را ساخت و خودش اجرا کرد؛ 3- تاریخ ویل دورانت؛ 4- چون اسمیت، (اخلاقیات، سکس، پول و قدرت در قرن بیست و یکم» ص 86، نوشته چون اسمیت؛ 5- همان‌جا ص 87؛ 6- همان‌جا ص 87؛ 7- همان‌جا ص 97؛ 8- واژه انکحتک از ریشه نکح میاد که کلمه نکاح هم از همین ریشه میاد. نکاح، یعنی زن کردن، لغت نامه دهخدا.



«آیا خودم‌دیریتی دموکراتیک و شورایی...»

مسئله اصلی که تعیین‌کننده ماهیت برابری جنسیتی هر انقلابی است، عموماً به‌پس از پیروزی جنبش مربوط می‌شود.

این‌که آیا پس از پیروزی نیز، زنان همچنان نقش برجسته فرضی خود در فرایند انقلاب را حفظ می‌کنند و یا در عوض همانند دیگر گروه‌های فرودست اجتماعی گوناگون که نقشی سرنوشت‌ساز در فرایند انقلاب داشته‌اند، به‌طور سیستماتیک از دستیابی به موقعیت‌های قدرت محروم می‌شوند. برخلاف دیگر جنبش‌هایی که پس از دستیابی به قدرت، جایگاه پیشین زنان مبارز را از آنان دریغ می‌کنند، در مدل سیاسی و اجتماعی کنفدرال، زنان در قدرت سیاسی به‌طور واقعی هم قبل و هم پس از انقلاب سهیم هستند.

بنا بر این، در کنفدرالیسم دموکراتیک، زنان از جایگاه مهمی برخوردارند. در این مدل سیاسی، زن و مرد دوش به دوش هم حرکت می‌کنند و در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دفاع عمومی از جایگاه یکسان و برابری برخوردارند. در طول تاریخ بشر، همیشه مبارزه و مقاومت زن ادامه داشته و دارد. زن برای آفرین زندگی اجتماعی، برای تامین زندگی و مبارزه با شرایط سخت، رنج‌ها و سرکوب‌های زیادی را متحمل شده است. از این‌رو، تاسیس و تثبیت یک جامعه نوین، باید از جامعه مردسالار کاپیتالیستی عبور کند تا به یک جامعه آزاد و برابر برسد.

کنفدرالیسم متکی بر آزادی، برابری و عدالت اجتماعی است. ما تاریخاً در مدل حکومتی شوروی سابق و یا یوگسلاوی سابق، شاهد اعمال قدرت از بالا بودیم و نه از پایین. چنان‌چه دیدیم پس از فروپاشی این دو مدل، چگونه گرایشات ناسیونالیستی و مذهبی به‌جان مردم افتادند. بنابراین، کنفدرالیسم راه‌حلی انسانی و کم درد است. در کنفدرالیسم دموکراتیک، محیط زیست جایگاه

خاصی دارد. یعنی در این مدل انسان و طبیعت با همدیگر اجین می‌شوند و اجازه نمی‌دهند محیط شان آلوده شود. امروز مسئله محیط‌زیست در ایران، نه یک مسئله لوکس، بلکه یک مسئله دردآور و فلاکت‌بار و تکان‌دهنده است. چرا که فقط در پایتخت نمایندگان خدا، هر سال حدود چهار هزار انسان به دلیل آلودگی هوا، جان خود را از دست می‌دهند. اکنون ریزگردها در خوزستان و سیستان و بلوچستان فاجعه بار و غیرقابل تحمل شده است. دریاچه‌ها و تالاب‌ها، یکی پس از دیگری خشک می‌شوند و جنگل‌ها نابود می‌گردند. اکنون در بسیاری از شهرها و مناطق مختلف ایران، کم‌آبی به یک معضل بزرگ انسانی تبدیل شده است و در بعضی مناطق به درگیری منجر شده و یا جیره‌بندی آب و آوردن آب با تانکر از نقطه دیگر به مرحله اجر درآمده است.

خشک شدن دریاچه نمک ارومیه، تنها خشک شدن یک دریاچه نیست که در جای خود دردناک است اما خشک شدن این دریاچه، کوهی از نمک را بر جای می‌گذارد که با وزیدن هر باد و باران و طوفانی به مناطق دیگر می‌رود و باعث خشک شدن مراتع و باغ‌ها می‌شود و بیماری‌های پوستی و چشمی به وجود می‌آورد. این مسئله جان و زندگی حدود 25 تا 35 میلیون انسان و همچنین میلیون‌ها موجود زنده دیگر را تهدید می‌کند. گفته می‌شود تاکنون بیش از 60 درصد دریاچه ارومیه خشک شده و عامل اصلی آن نیز حکومت اسلامی است. ده‌ها سد در اطراف این دریاچه ساخته شده و آب آن‌ها مانند سابق به این دریاچه نمی‌ریزد. از وسط دریا جاده‌ای بین ارومیه و تبریز کشیده شده است که از هر طرف بخشی از دریاچه را با شن و سنگ پر کرده اند و این مسئله مانع جزر و مد طبیعی دریاچه شده است. بنابراین مسئله زیست محیطی در ایران، یک مسئله سیاسی و امنیتی شده است و فعالین این عرصه در زندان‌ها هستند و حتی اخیراً یک کارشناس دانشگاهی آن را نیز در زندان زیر شکنجه شستند. از این رو، اهمیت ویژه به مسئله محیط زیست در سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک یک امر حاشیه ای نیست، بلکه یک امر مرکزی و مهم است.

اقتصاد در کنفدرالیسم دموکراتیک چه وضعی پیدا خواهد کرد؟ اصولاً اقتصاد بر چه مبنایی سازمان‌دهی خواهد شد؟ مسئله مزدگیران چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ آیا رابطه اقتصادی کماکان با جهان سرمایه‌داری چگونه تنظیم خواهد شد؟ و...

چنان‌چه در سطح محلی، شوراهایی که کنترل تولید و توزیع در مراکز تولید و اداره جامعه را برعهده گرفته‌اند و به‌شیوه‌ای خودگردان محلات را اداره می‌کنند اگر در سطح سراسری و ارتباطات بین‌المللی با سرمایه و جهان بیرون خود را تنظیم نکنند چه بسا مسیر آن منحرف خواهد شد.

اقتصاد کمونال، همانند سیاست آن در مقابل اقتصاد کاپیتالیستی قرار دارد و این اقتصاد نباید مبتنی بر کسب سود و کار مزدی باشد. تولید هم باید بر مبنای نیازها جامعه صورت گیرد نه برای انباشت سرمایه. در این سیستم اقتصاد همگانی است. یعنی همه از حق و حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی یکسانی برخوردارند و مازاد اقتصادی نیز به توسعه خدمات عمومی و نیازهای جامعه به ویژه آموزش و پرورش و درمان و بهداشت اختصاص داده می‌شود که رایگان هستند.

در واقع رسیدن به خودگردان اقتصادی مبتنی بر صنعت اکولوژیک و اقتصاد کمونی محوریت دارد. اقتصاد و صنعت و توسعه باید همسو با محیط زیست باشند. سیستم مالی و بازاری در این سیستم بر کسب پول از طریق پول مبتنی نیست، بلکه در پی بازدهی اقتصادی است و تلاش برای تحقق شعار «کار کردن آزاد است» به‌جای تصور کار به‌مثابه عمل شاق و بی‌گاری. بر این اساس، «حفظ خاک و جنگل‌کاری... مقدس‌ترین نوع کار است».

دفاع در این سیستم مبتنی است بر سیستم خوددفاعی. بر این اساس کلیه امور امنیتی داخلی و دفاع ملی مشترکی که در برابر خارج صورت می‌گیرد، باید توسط خود جامعه سازمان‌دهی شوند، چرا که یک جامعه کنفدرالیسم دموکراتیک، اصل بر دفاع است نه تهاجم. بنابراین در این مدل سیاسی روابط و مناسبات دیپلماتیک بر اساس منافع عموم مردم و علنی

← ادامه در ص 6

سرمایه‌داری عامل نابودی محیط زیست

بیژن رنجبر

امکان حیات بر روی سیاره زمین در معرض تهدید جدی قرار دارد. سیستم مخرب، ویرانگر و سودجوی سرمایه‌داری دست‌اندرکار تشدید وخامت بار روند زوال امکان ادامه زندگی بر روی کره زمین است. دانشمندان هشدار می‌دهند چنانچه این روند ویرانگر ادامه یابد و به‌طور نمونه تولید گازهای گلخانه‌ای کنترل نگردد، به‌هیچ‌وجه احتمال وقوع فاجعه‌های عظیم زیست محیطی دور از انتظار نیست. مطالعات علمی در این خصوص ناظر بر این واقعیت است که چنانچه روند تآکونی ادامه پیدا کند، بروز فاجعه افزایش دمی جو زمین به‌میزان چهار درجه سانتی‌گراد تا سال 2050 میلادی حتمی خواهد بود. بر اساس یافته‌های یک پژوهش علمی، از سال 1849 که سنجش و اندازه‌گیری دمای کره زمین آغاز گردید، ظرف دو دهه گذشته مصادف با اعمال سیاست‌های نئولیبرالیستی در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری جهانی افزایش دمای جو سیاره ما بی‌سابقه بوده است. مبالغه نخواهد بود اگر بگوئیم چنانکه روند مخرب کنونی تغییرات حاد اقلیمی کنترل نگردد، تهدیدات جدی منجر به فاجعه، موجودیت نوع بشر و حیات سایر گونه‌ها را در سیاره زمین هدف قرار خواهد داد، کما این‌که با ادامه شرایط فعلی، تنها در ظرف کمتر از چند دهه آبی با افزایش دمای جو زمین، توده‌های عظیم یخ در مناطق قطبی به‌سرعت ذوب و با بالا آمدن سطح آب دریاها به‌میزان چهار متر، بخش‌های وسیعی از خشکی‌ها را آب فرا خواهد گرفت و ضمن غیرقابل سکونت ساختن سواحل و کناره‌ها برای جمعیت‌های انسانی، نیمی از تمام گونه‌های گیاهی و جانوری را نابود خواهد ساخت. علاوه بر این، موج گرمای شدید و باران‌های سیل آسا به‌دفعات در سرزمین‌های مختلف پدید خواهد آمد، شدت و قدرت طوفان‌ها با افزایش خواهد یافت و دسترسی به آب آشامیدنی برای بخش عظیمی از گروه‌های انسانی بسیار دشوار می‌گردد. همچنین تغییرات شدید در الگوهای اقلیمی می‌تواند سبب گسترش بیابان‌ها در قسمت‌های وسیعی از سطح کره زمین گردد، این امر به‌نوبه خود میزان فشار کنونی بر جنگل‌ها را که همچون ریه‌ها به‌پالایش اتمسفر زمین و جذب گازهای گلخانه‌ای و نیز به‌حفظ تعادل اکوسیستم‌ها و چرخه‌های حیات یاری می‌رسانند، خواهد افزود.

بدیهی است که بشریت پیشرو از بابت روند افزایشده تخریب و نابودی محیط زیست، تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط صنایع بزرگ سرمایه و تهدیدی که از این ناحیه متوجه آینده سیاره ما می‌باشد، سخت نگران است، چنانکه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد هم‌اکنون حدود هفتاد درصد جمعیت جهان در خصوص آینده زمین بیمناک و نگران‌اند. با این همه، باید بر این نکته تأکید ورزید که وقوع چنین فاجعه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر نیست، چنانچه از میزان تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای کاسته شود، نسل ما قادر خواهد بود تا از وقوع فاجعه زیست محیطی ممانعت به‌عمل آورد. لیکن پرسش عمده و بنیادین این است که همانا با توجه به علل و ریشه‌های واقعی بحران زیست محیطی دامن‌گیر زمین و نیز تجارب برآمده از پروسه تاریخ تکامل نهادهای اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری، آیا نظام سرمایه مسلط بر سیاره ما قادر خواهد بود از وقوع این فاجعه ممانعت به‌عمل آورد و روند تخریب و نابودی محیط زیست را متوقف سازد؟

چنانچه واقع‌بین باشیم با عطف به مختصات ذاتی سرمایه‌داری در سه سطح روان‌شناختی، فلسفی و اقتصادی پاسخ این پرسش منفی خواهد بود. مشخصه ذاتی سرمایه‌داری در سطح روانی، بی‌اخلاقی و سودپرستی گریزناپذیر و حریصانه بدون توجه به پیامدهای مخرب شیوه‌ها و راهکارهای دست‌یابی به سود بیش‌تر به‌هر قیمت است. سرمایه‌داری، این سیستم فاقد وجدان و اخلاق با چنین انگیزشی همه چیز را در معبد سودپرستی فدا می‌سازد.

از سوی دیگر، فردگرایی بنیان تفکر فلسفی سرمایه‌داری را پی ریخته است، فلسفه فردگرایانه سرمایه در مغایرت با منافع عمومی، مصالح جمعی و روندهای کولکتیو و اجتماعی شکل پذیرفته و اصالت

مطلق را به‌نفع و سود فرد در ضدیت با نفع و سود جمع رقم زده است.

همچنین بنیان‌های ساختار اقتصاد سرمایه‌داری که در واقع نافی اقتصاد واقعی به‌معنای پروسه رفع نیازمندی‌های مادی بشر است، نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای در روند تشدید نابودسازی محیط زیست و هدایت چرخه حیات بر روی سیاره زمین به‌آستانه مرگ بر عهده دارند. سرمایه‌داری با چنین ساختار اقتصادی قادر نیست از روند تشدید بحران زیست محیطی جلوگیری به‌عمل آورد زیرا کل موجودیت چنین فرمایشی به‌همراه شیوه تولید اقتصادی سراسر متناقض‌ااش در ضدیت با طبیعت و محیط زیست سازمان یافته است. این نظام اقتصادی در واقع متکی بر سوخت‌های فسیلی و کربنی ارزان و لیکن نابودکننده محیط زیست که به‌دلیل ارزان بودن، انگیزه و اشتیاق سیری‌ناپذیر سرمایه سودپرست و حریص را تحریک می‌نماید تا به‌محیات صنعتی و چرخه تولید کالایی خود ادامه دهد.

اقتصاد سرمایه‌داری تنها ظرف کمتر از یکصد سال بخش عظیمی از منابع و ذخایر ارزشمند زمین را که طی میلیون‌ها سال پدید آمده‌اند، نابود ساخت، محیط زیست را به‌شدت آلوده نمود، موجب ایجاد حفره در لایه اوزن گردید، صدها گونه گیاهی و جانوری را نابود کرد، منابع خاک و آب را در بسیاری از نقاط سیاره زمین آلوده ساخت و در نهایت سیاره کوچک ما را به‌نقطه‌ای کشاند که هم‌اکنون در معرض خطر جدی تبدیل شدن به‌مکانی ناامن برای حیات و غیرقابل سکونت برای همه انواع جانداران قرار دارد.

در حقیقت ترکیب کارکردی سه مشخصه ذاتی سرمایه‌داری در سه سطح روانی، فلسفی و اقتصادی مانع از هرگونه اقدام و حرکت جدی اصلاحی در چارچوب این سیستم در راستای تخفیف بحران زیست محیطی سیاره زمین می‌گردد. به‌طور نمونه، لازم است به‌خاطر آوری که به‌هینت حاکمه آمریکا، یعنی یکی از بزرگ‌ترین کشورهای آلاینده محیط زیست و متشاع تولید و انتشار بیش از چهل درصد گازهای گلخانه‌ای نه تنها از بیوسنت به‌پیمان موسوم به «کیوتو» که در سال 1997 با هدف مهار افزایش تصاعدهی گازهای گلخانه‌ای منعقد گردید، سر باز زد، بلکه بعد از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، این کشور از معاهده تغییرات اقلیمی موسوم به‌توافق پاریس هم در ژانویه 2017 خارج گردید.

به‌عبارت دیگر، نه تنها سرمایه‌داری بنا به‌مقضیات ذاتی خود قادر به‌حل قاطع بحران زیست محیطی موجود نیست، بلکه خود به‌دلیل سلطه سیاست‌های نئولیبرالیسم اقتصادی، توسعه بازار محور و حریصانه بی‌توجه به‌اثرات مخرب آن بر چرخه حیات در زمین، معضل اصلی و عامل عمده در پیدایش بحران مزبور و روند تشدید نابودی امکان حیات در سیاره ما می‌باشد. در حقیقت معضل اصلی، موجودیت خود نظام سرمایه‌داری است.

به‌بیانی دیگر، گرچه شرایط اقلیمی طی میلیون‌ها سال تاریخ تکامل زمین بارها دست‌خوش تغییرات شدید گردیده لیکن تنها در عصر تسلط سرمایه بر جهان است که افزایش تصاعدهی تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای و روند نابودی اکوسیستم‌ها و چرخه‌های حیاتی و ضروری برای امکان ادامه بقا در زمین، این چنین آهنگ شتابان و نگران کننده‌ای به‌خود گرفته است.

در واقع سرمایه‌داری مرحله جدیدی را در تاریخ حیات کره زمین گشوده است که تحت آن، عمل دگرگون ساز و تحول آفرین انسان در عرصه طبیعت از رهگذر سازمان اجتماعی تقسیم کار سرمایه به‌گونه‌ای در تضاد با طبیعت و اجزای ارگانیک و جدایی‌ناپذیر آن هدایت و ساماندهی شده که همانا منجر به‌نابودی جمعی و احای گسترده بخشی از کره حیات در زمین گردیده و این سیاره را به‌عنوان سکونت‌گاه طبیعی هزاران گونه گیاهی و جانوری در معرض خطر نابودی قرار داده است.

در حقیقت کانیسم‌های بنیادینی که ادامه حیات و بقای سرمایه را تضمین می‌کنند در مسیر خلاف مقتضیات حیات و بقای مشترک انسان و طبیعت شکل گرفته و حرکت می‌کنند، از این‌رو، معضل اصلی و مانع بنیادین فراوری پروسه تداوم حیات و تضمین ادامه بقا در زمین، تسلط سرمایه‌داری و شیوه تولید استعماری، بهره‌کشان، سودپرست و حریصانه آن بر مقدرات زندگی در سیاره ما است.

به‌همین دلیل روشن، راه‌حل بنیادین و قاطع در مقیاس جهانی جهت برون‌رفت از بحران حال حاضر زیست محیطی را بایستی در ورای مرزهای موجودیت سیستم سرمایه‌داری جستجو نمود.

«آیا خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی...»

و دوستانه و مسالمت‌آمیز است. کنفدرالیسم دموکراتیک از دیپلماسی به‌مثابه ابزار صلح و برقراری روابط مفید و دوستانه با خلق‌های همسایه و اجتماعات خوشنود بهره می‌گیرد و همچنین برای بر سازمان‌دهی اجتماعات مشترک می‌پردازد.

در پایان و در جمع‌بندی بگویم که طبق نظریات آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر، به‌خصوص علوم اجتماعی، تمامی مشکلاتی که انسان درگیر چاره‌یابی آن است، با هم مرتبط هستند. امروز گام‌های زیادی نیز برداشته شده‌اند که حائز اهمیت هستند. دیگر معضل کارگران فقط با نابرابری صنفی و جامعه طبقاتی ارزیابی نمی‌شود. دیگر کارخانه‌ها همچون تنها علت اصلی مشکلات اکولوژیک پنداشته نمی‌شوند. در جامعه کنونی ایران، میلیون‌ها بیکار و میلیون‌ها زن خانه‌دار داریم که هیچ‌گونه درآمدی ندارند. دیگر بر این واقعیت که حاکمیت سوسیالیستی حزبی و سوسیالیسم موجود و با اتکا به‌تجارب شوروی سابق و چین به اصطلاح کمونیست امروز، به معنی تحقق سوسیالیسم علمی و راستین نیست. دیگر آشکار شده که اقتصاد فقط بخشی از زندگی اجتماعی است و تعیین کننده هر چیزی نیست. بنابراین، ما موظفیم دوباره جهان‌مان را تفسیر کنیم. دوباره خودمان را سازمان‌دهی کنیم. ما در قرن بیست و یکم، وظیفه داریم جهان و همه پدیده‌هایش را با دیدگاهی نو و با اتکا به آخرین دستاوردهای علمی و آگاهی بشر ارزیابی کنیم. امروز باید خوش‌بینی تدریجی و فطرحجکتی اصلاحات در ایران را کنار گذاشت و به‌فکر سازمان‌دهی انقلاب بود. نهایتاً امروز باید تصورات و تخیلات خودمحوری بینی، فرقه‌گرایی، کیش شخصیت و رقابت‌های کاذب سازمانی و شخصیتی را کنار گذاشت و با پیرامون خود به بحث و گفتگو نشست.

تا آن‌جا که به پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران برمی‌گردد این پلاتفرم... مستقل است و به هیچ نیرویی وابسته نیست. این پلاتفرم و نیرویهای آن، خود را رفیق هیچ سازمان و حزبی نمی‌دانند. سیاست‌ها و اهداف این پلاتفرم... جدی است و حرف تازه برای گفتن دارد. این پلاتفرم... علیه هرگونه تبعیض و ستم و نابرابری و علیه کاپیتالیسم است. این پلاتفرم... آماجگی دارد که حتی با منتقدان خود گفتگو کند و از نیروهای که خواهان پیوستن فردی و جمعی و سازمانی به پلاتفرم هستند استقبال می‌کند. نهایت این پلاتفرم، برای ساختن جامعه نوینی مبارزه می‌کند که در آن همه شهروندان بدون توجه به جنسیت، ملیت، رنگ، اختلافات سیاسی و مذهبی، دور هم جمع می‌شوند و در جهت تاسیس و تثبیت یک جامعه دموکراتیک، آزاد و برابر بحث و گفتگو و تصمیم‌گیری می‌کنند و خودشان نیز مستقیماً مجری تصمیمات مجامع عمومی خود می‌شوند.

در حقیقت اگر پروژه کنفدرالیسم دموکراتیک در پروسه ساختن زیربنای فکری و عملی خود، باید به‌طور جدی به‌مسئله طبقاتی کارگران، زنان، خلق‌های ایران و مسئله زیست محیطی توجه کند و نسبت به‌پیشنه مناسبات سرمایه‌داری برود. در غیر این صورت آسیب‌پذیر خواهد شد. به‌خصوص باید توجه کنیم که دشمنان زیادی در سطح منطقه و جهان خواهان نابودی این الگو در روزاوا هستند.

یک ویژگی مهم و برجستگی کنفدرالیسم دموکراتیک با مناسبات شورایی این است که بیان شکل‌های هویتی نه از قبیل هویت‌های ملی، جنسیتی، نژادی و مذهبی، بلکه به‌واسطه شوراهای و نمایندگان اجزایی آن به‌شیوه دموکراتیک و انسانی و برابری‌طلبانه تضمین می‌شود و از شکل‌گیری کانون‌های خصمانه سیاسی و نابرابر ثروت و قدرت در کنار هم ممانعت به‌عمل می‌آورد.

اهداف و رنوس راهکارهای پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، فرم عضویت در این‌جا در مقابل شماسیت. در این میان، صادقانه بگویم که ما ادعایی نداریم که سیاست‌های ما بی‌عیب و نقص است از این‌رو، از هر انتقاد سازنده و رفیقانه و صمیمانه به‌شدت استقبال می‌کنیم.

ما موظفیم در میان بیگانگی امروز، به‌سوی جهان دیگری حرکت کنیم. ما باید حامل آن پیام و فرهنگ جهان‌شمول انسانی باشیم که انسان‌ها همدیگر و طبیعت‌شان را دوست دارند. انسان‌ها آگاهند که چگونه خلاقیت‌های مشترک‌شان را شکوفا سازند. ما به‌تغییر جهان و فعالیت‌هایمان همانند تغییر فصل‌ها باور داریم و همواره به بهار آزادی، نوید لغو کار مزدی و بردگی، به برابری زن و مرد، به‌رعایت حقوق کودکان، به احترام بازنشستگان، به گستان آزادی زبان‌های مادری، مذاهب، محیط زیست سالم و در یک کلام به‌جامعه خودمدیریتی دموکراتیک شورایی و سوسیالیستی و نهایتاً به یک جامعه بی‌طبقه شهروندان آزاد بیندیشیم!

برقرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران! ممنونم که حوصله کردید و به‌سخنان من گوش دادید.

«هشدار» به خانواده‌ها ...

باید توجه کنیم که کودکان ذهن کنجگو و ساده‌ای دارند از این‌رو، ممکن است این تهدیدات خیلی زود روی آن‌ها اثرات منفی بگذارد و تهدیدات مومو را باور کنند. در نهایت این همه فشار و تهدید باعث می‌شود تا کودک و یا نوجوان کمک‌دچار افسردگی شدید شده و در نهایت تنها راه فرار را خودکشی بدارند.

اما برای مقابله با خطرات مومو و رهایی از این چالش خطرناک، خانواده‌ها باید بسیار هوشمندانه عمل کنند. بسیاری از کارشناسان این بازی را همچون چالش «اسلندرم - Slander» می‌دانند که در گذشته باعث شده بود کودکی تا مرز کشتن یکی از دوستان خود پیش برود! با این حساب به هیچ وجه نباید این ماجرا را نادیده گرفته و به سادگی به‌عوارض و عواقب آن چشم بست.

به‌نوشته روزنامه بویرس آیرس تایمز، دختر بچه 12 ساله‌ای که احتمالاً قربانی این بازی شده، از تمام فعالیت‌های خود قبل از خودکشی فیلم‌برداری کرده است. مقامات معتقدند احتمالاً فردی او را به‌خودکشی ترغیب کرده است.

در بازی مومو در شبکه اجتماعی واتس‌آپ یک تماس ناشناس با کاربر اتفاق می‌افتد و کسی که با کاربر در تماس بوده، وی را وادار می‌کند تا به‌سمت خودکشی برود.

براساس گزارش‌های پلیس، اتفاقاتی که در این بازی خطرناک می‌افتد می‌تواند کاربر را به‌سمت کارهای خونسخت‌آمیز بکشاند و باعث اتفاقات جبران‌ناپذیر شود. در این گزارش پلیس که شبکه اجتماعی واتس‌آپ با فاکس نیوز و بی‌بی‌سی و... منتشر کرده‌اند آمده است: «ما راهکارهای ساده‌ای را برای گزارش کاربران به واتس‌آپ در اختیار کاربران قرار داده‌ایم. از این‌رو، کاربران به‌راحتی می‌توانند این مشکل را برطرف کنند. اما خواهشی که از کاربران واتس‌آپ داریم این است که تمامی تماس‌های مشکوک را در اختیار کاربران قرار دهند.»

علاوه بر اتفاقاتی که در آرژانتین روی داد، این‌بار نوبت به کشور مکزیک رسید، پلیس مکزیک هم هشدارهایی را در مورد بازی خطرناک مومو به‌خانواده‌ها داده است.

اگر شما هم نگران فرزندان‌تان هستید حتماً فعالیت فرزندان‌تان را در شبکه‌های اجتماعی به‌دقت نظارت و کنترل کنید. به‌نظر می‌رسد، مطمئناً با نظارت بر فعالیت‌های فرزندان‌تان از اتفاقات مشکل ساز و خطرناک‌ها دور خواهید ماند.

نهنگ آبی نیز نام یک بازی اینترنتی است که 50 مرحله دارد. مراحل این بازی از کشیدن یک نهنگ بر روی بازو، بریدن بازو و تیغ زدن رگ شروع می‌شود و تا به‌بلندی رفتن و خودکشی کردن ادامه دارد. البته در مراحل اولیه بازی کارهای آسان‌تری نسبت به‌مرحله پایانی از کاربر خواسته می‌شود. بازی اینترنتی نهنگ آبی یک بازی وحشتناک است که به کشورهایی چون ایران وارد شده است.

گروه مدیریت‌کننده این بازی اینترنتی در مدت 50 روز از کاربران می‌خواهند تکالیفی را انجام دهند و در پایان روز تصویری از تکالیف انجامی را برای این افراد ارسال کنند تا در نهایت بتوانند وارد مرحله بعدی بازی شوند. از جمله عملیات و تکالیفی از کاربران خواسته می‌شود تا انجام دهند شامل خودزنی با تیغ، حک شکل و شماره با چاقو و یا تیغ بر روی بازو، دیدن فیلم‌های وحشتناک، حاضر شدن در ساعات مختلف در مکان‌های مختلف و... .

بازی اینترنتی نهنگ آبی در سال 2013 از روسیه آغاز شد. این بازی به‌صورت یک خطر در حال گسترش در تمام کشورهای دنیا است. این بازی 50 روزه بوده و 50 مرحله دارد و انتهای بازی به‌خودکشی کاربران منتهی می‌شود. برای انجام بازی اینترنتی نهنگ آبی پیروی از دستورات ادمین ضروری است.

مراحل 30 تا 49 بیدار شدن هر روز ساعت 20:4 دقیقه صبح، دیدن فیلم‌های ترسناک، گوش‌دادن به‌موزیک‌های ارسالی توسط ادمین، صحبت کردن با یک نهنگ، هر روز برش دادن قسمتی از بدن با تیغ 50: پریدن از یک ساختمان بلند و گرفتن جان خود!

جدیدا در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی منشتر شده است که نشان از خودکشی دو کاربر ایرانی به‌دلیل انجام بازی اینترنتی نهنگ آبی دارد.

حدود چهار سال از آغاز فعالیت این بازی می‌گذرد و تاکنون توانسته است قربانیانی در جهان داشته باشد. در روزنامه نوایا گزتا ذکر شده است که از نوامبر سال 2015 تا آوریل سال 2016 میلادی، 130 مورد خودکشی اتفاق افتاده است که هر 130 مورد نیز مرتبط با بازی اینترنتی نهنگ آبی بوده است. حوادث مختلفی که در آن نوجوانان خود را زیر قطار می‌اندازند و یا خود را از پشت بام‌ها پرت می‌کنند.

پلیس روسیه پس از پیگیری‌های لازم در این زمینه از بازداشت دو نوجوان خبر داد که گویا از صفحه خودکشی یکی از نوجوانان فیلم‌برداری می‌کردند. گفته می‌شود بررسی‌ها در این زمینه توسط پلیس روسیه ادامه دارد.

نهایتاً سیستم سرمایه‌داری و تولید آن، مبتنی بر کسب سود بیشتر و توهین آشکار به انسان است. انسان در مکتب سرمایه‌داری، محکوم به استثمار است!

دولت‌های کنونی سرمایه‌داری جهان از مدل دیکتاتور آن گرفته تا نئولیبرال، خود به‌دلال صنایع و شرکت‌های بزرگ از صنایع اسلحه‌سازی گرفته تا ماشین‌سازی و سازمان‌دهی قاچاق مواد مخدر و اسلحه و غیره تبدیل شده‌اند اساساً توجه چندانی به‌رفاه عمومی جامعه، وضعیت مزدبگیران، بازنشستگان، بیماران، بیکاران، کودکان و آموزش و بهداشت ندارند.

در چنین وضعیتی، کودکان بیش از همه در معرض تولیدات خطرناک سرمایه‌داری مثل «مومو» و «نهنگ آبی» هستند.

با این وصف، جهان کنونی ما وارونه است و باید آن را برگرداند و بر روی پاهایش خود قرار داد. یعنی جهانی ساخت که از یک‌سوی تولید صرفاً نیازها واقعی انسان را تامین کند و از سوی دیگر، هیچ انسانی، انسان دیگر را به‌خطر کسب سود و نفع‌پرستی شخصی استثمار نکند. و مهتر از همه جوامع بشری با نقد محکم و قاطع فلسفه «ملت‌دولت» جامعه دموکراتیک خودگردان و یا خودمیدریتی خود را به وجود آورند و اداره کل جامعه را به عهده گیرند!



گسترش اعتراض و اعتصاب در ایران

در مقابل ...

تجمع اردیبهشت ماه معلمان مقابل سازمان برنامه و بودجه که برای بیان مشکلات صنفی و خواست افزایش دستمزدها و جلوگیری از خصوصی‌سازی آموزش برگزار شده بود، با یورش نیروهای پلیس مواجه شد. بازداشت شدگان این تجمع پس از انتقال به زندان اوین، با قید کفالت آزاد شدند. یکی دیگر از دستگیرشدگان این تجمع، محمد حبیبی، فعال صنفی فرهنگیان و عضو هیات مدیره کانون معلمان استان تهران است که به بیش از 10 سال زندان و 74 ضربه شلاق محکوم شد و طبق قانون، هفت سال و نیم آن قابل اجرا است. پرونده او هفته گذشته به دادگاه تجدیدنظر رفت. محکومیت فعالان صنفی به‌ویژه معلمان، واکنش‌های جهانی در پی داشته است.

پس از حمله مسلحانه به رژه نیروهای مسلح حکومت اسلامی در اهواز، 22 سپتامبر 31 شهریور 1397 - 22 سپتامبر 2018، این شهر و مناطق مختلف استان خوزستان، شاهد بازداشت و دستگیری‌های گسترده جوانان عرب از سوی نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، و نهادهای امنیتی وابسته به سپاه پاسداران و نیروهای بسیج بود. در حالی که مقامات امنیتی ایران از بازداشت 22 نفر در این رابطه خبر دادند اما برخی فعالان و منابع محلی به‌سازمان حقوق بشر اهواز گزارش دادند شمار بازداشت‌شدگان که فعالان سیاسی و فرهنگی و حتی شهروندان عادی را شامل می‌شود از 300 نفر گذشته است. این موج گسترده دستگیری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که هنوز ابهامات زیادی در رابطه با عاملان و پشت پرده این هجوم مسلحانه وجود دارد.

مردم خوزستان هم‌راستا با سایر نقاط ایران، از ابتدای سال جدید شمسی شاهد اعتراضات و ناراضی‌های گسترده‌ای در رابطه با موج گرانی‌ها، کمبود آب آشامیدنی، بیکاری، وضعیت جوی و مشکل ریزگردها، آلودگی ناشی از پروژه‌های اقتصادی، بحران انتقال گاز و... بوده است که موج بازداشتی‌های اخیر نمی‌تواند جدا از این شرایط بحرانی فهمیده شود.

حکومت اسلامی از طریق دستگیری‌های جمعی، تلاش دارد با بهره‌برداری از درگیری اخیر اهواز به میلپتاریزه کردن خوزستان بپردازد و این‌چنین فضا را برای سرکوب موج

ناراضیاتی‌های فزاینده مردم عرب‌زبان در برابر سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه آماده سازد.

مامورین سرکوبگر امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، با بهانه مختلف به‌خانه‌های مردم می‌ریزند، فضای رعب و وحشت ایجاد می‌کنند، زمینه پرونده‌سازی و اعدام‌ها و کشتار زندانیان را فراهم می‌سازند. کاری را که نمی‌توانند با کارگران مجتمع فولاد اهواز و نیشکر هفت‌تپه و ده‌ها هزار مردمی که در خیابان‌ها به‌تظاهرات می‌پردازند، انجام دهند.

همچنین در تهران نیز همه جا نیروی ویژه ضدشورش مستقر شده‌اند. بنابر گزارش‌ها از تهران، مأموران یگان ویژه نیروی انتظامی در نقاط مختلف شهر به‌ویژه در ایستگاه‌های مترو حضوری گسترده دارند. همه این بگیر و ببندها نشان می‌دهد که حکومت اسلامی از گسترش اعتراض‌های مردمی و اعتصاب‌های کارگری سخت وحشت دارد.

سوال این که چرا با وجود درآمدهای نفتی کلان، حکومت اسلامی ایران در مقابله با بیکاری، پرداخت دستمزدهای معوقه، رکود و کاهش فقر، بازسازی محیط زیست و سایر مطالبات کارگران توجه نکرده است؟ در حالی که رانت‌خواری، رشوه‌خواری، دزدی میلیون‌ها و میلیارد‌ها دلار از ثروت‌های جامعه و فساد دولتی همه تار و پود حکومت اسلامی را از بالا تا پایین فراگرفته است.

بنا به‌گفته تشکل‌ها و فعالان کارگری، در سال‌های اخیر، هزاران کارگاه و کارخانه کوچک و بزرگ تعطیل و کارگران آن به ارتش چند میلیونی بیکاران پیوسته‌اند. کارخانجات به‌دلیل نبود مواد اولیه و نقدینگی میزان تولیدات خود را کاهش داده‌اند. دود کاهش تولید اولین بار در چشم کارگری می‌رود که در آن کارخانه مشغول به‌کار است. با کاهش تولید اولین تصمیمی که کارفرمایان می‌گیرند، تعدیل نیرو است. برای مثال، بیش از 35 کارخانه در حوزه زرنديه و ساوه است که کارگزاران بین 2 تا 10 ماه حقوق معوق دارند. در شرایط اقتصادی کنونی کارگری که حقوق می‌گیرد، نمی‌تواند زندگی را اداره کند. کارخانه پروفیل ساوه، مجموعه پروفیل گروه صفا و کارخانه شیرگاه از جمله کارخانجاتی هستند که کارگزارانش حقوق معوق دارند. کارخانه مقررده‌سازی در ساوه از ابتدای سال 70 نیروی خود را تعدیل کرده است. همچنین محصولا غذایی سن‌ایچ در ساوه، به‌علت مشکلات مواد اولیه مجبور به‌کاهش اضافه کاری‌ها و شیفت‌ها شبانه خود شده است.

به‌گزارش کارگززاری دولتی ایرنا، 07.01/1397 محمد علی نجفی استاندار البرز، گفته است که 3500 واحد تولیدی و صنعتی کوچک، بزرگ و متوسط در استان البرز وجود دارند که در سال‌های اخیر برخی از این صنایع به‌علت مختلفی مانند کمبود نقدینگی و مواد اولیه دچار مشکل یا رکود شده‌اند.

دبیر انجمن صنفی کارگری خراسان شمالی گفت: در شرایط فعلی عمده واحدهای صنعتی در 5 شهرک صنعتی استان غیرفعال یا نیمه فعال هستند. ضمن این که واحدهای زیادی نیز در خارج از شهرک‌ها فعالیت داشتند و اکنون غیرفعال شده‌اند. رجایی در ادامه افزود: ... تعداد زیادی کارگر بیکار داریم به‌طوری که خراسان شمالی رتبه اول بیکاری را دارد. با تعطیل شدن تنها یک کارخانه الیاف 800 کارگر در استان بیکار شدند، بنابراین با تعطیلی 250 کارخانه تعداد بیکاران بسیار افزایش می‌یابد.

رییس اتحادیه کفایشان دست‌دوز گفت: بیش از 80 درصد از تولیدکنندگان (بنگاه‌های کوچک) کفش تعطیل هستند و با توجه به اوضاع اقتصادی کشور مواد اولیه در اختیار تولیدکنندگان قرار نمی‌گیرد.

اعتصاب رانندگان کامیون نمونه شورانگیزی از اعتصاب‌های سراسری است که در حرکتی متحد و قدرتمند به‌پیش می‌رود و در سطح وسیعی از همبستگی مبارزاتی را در جامعه شکل می‌دهد. از این اعتصاب و سایر اعتصاب‌های کارگری و اعتراض‌های مردمی فعالیت حمایت کنیم و برای گسترش اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها به‌تمام بخش‌ها و شهرهای سراسر جامعه بکوشیم. همچنین صدای آن‌ها را به‌گوش کنفدراسیون‌های بین‌المللی کارگری و رسانه‌های جهانی برسانیم.

تلاش کنیم تا همه رانندگان، کارگران، زنان، فعالین زیست محیطی، آزادی زبان‌های مادری، معلمان و فعالین اهوازی که اخیراً دستگیر شده‌اند و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط و آزادی گردند!

زنده‌باد اتحاد و همبستگی کارگران و مردمان محروم سراسر ایران!

زنده‌باد اعتصاب سراسری کارگران و همه محرومان و آزادی‌خواهان!

زنده‌باد شوراهای کارگری، مجالس مردمی و شوراهای محلات!

زنده‌باد مبارزه خلق‌های ایران!

زنده‌باد خودمیدریتی دموکراتیک

زنده‌باد سوسیالیسم!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
جمعه ششم مهر 1397 - بیست و هشتم سپتامبر 2018

آموزش رایگان و به زبان مادری حق مسلم همه کودکان است!

در آستانه بازگشایی مدارس در ایران، درد و رنج بسیاری از خانواده‌ها به‌آرام می‌رسد. چرا که آن‌ها توان مالی روانه کردن فرزندان خود به مدرسه را ندارند. در چنین وضعیتی، این کودکان در کوچه و خیابان با دیدن مدرسه رفتن کودکان هم سن و سال خود، که با شور و شوق و شادی راهی مدرسه هستند دچار ناراحتی و افسردگی می‌شوند. در حالی که آموزش رایگان حق طبیعی و مسلم همه کودکان و جوانان تا 18 سالگی است!

تعداد کودکان محروم از تحصیل، یکی از صدها آمار است که اطلاعات دقیقی از آن در دست نیست. وزارت آموزش و پرورش رقمی می‌گوید؛ سازمان بهزیستی رقمی دیگر و نهادهای مردم‌نهاد و انجمن‌ها نیز اطلاعات دیگری می‌دهند. احتمالاً همین اختلاف آمار، خود نشانه‌ای از آمارهای تکان‌دهنده است!

سایت رویداد24، 25 شهریور 1397 - 16 سپتامبر 2018، به نقل از سرپرست فعلی وزارت کار، نوشت: «رییس بهزیستی این آمار را در تهران آن‌هم تنها در سه ماه نخست امسال حدود 327 هزار کودک ذکر کرده بود و گفته بود این تعداد در خیابان‌ها شناسایی شده‌اند.» اگر آمار بهزیستی را مبنا بگیریم، و کودکان محروم از تحصیل در استان‌های دیگر در تخمینی خوش‌بینانه تنها یک‌سوم تهران محاسبه کنیم، با احتساب 31 استان، به رقمی

تخمینی 3 میلیون و 500 هزار کودک محروم از تحصیل خواهیم رسید. این منبع افزود: «در محاسبه‌ای دیگر البته وضع وخیم‌تر از این است: آن‌گونه که در آخرین سرشماری آمده است، جمعیت 7 تا 19 ساله کشور چیزی حدود 20 میلیون نفر هستند.» اگر این رقم را در کنار آخرین آمار 12 میلیون و 600 هزار دانش‌آموز ایرانی بگذاریم، به نتیجه هولناکی خواهیم رسید: 7 میلیون و 400 هزار کودک محروم از تحصیل!

با این‌همه وزارت آموزش و پرورش چه در دولت احمدی‌نژاد چه در دولت روحانی، محاسبه این‌چنینی را نپذیرفته است. آمار هر چه باشد، در اصل ماجرا تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ آن‌هم در روزهای منتهی به باز شدن مدارس. در چند سال گذشته ترک تحصیل و کندن کودکان و نوجوانان از مدرسه در ابعادی وسیع ادامه دارد. فشار ادامه تحصیل نیز به‌مشکلات عدیده اقتصادی کارگران و محرومان جامعه افزوده است.

تأمین هزینه تحصیل کودکان و جوانان در خانواده‌های محروم، بیکار و مزدبگیر، بسیار فلات‌بار و دردناک است.

امسال در آستانه بازگشایی مدارس، شرایط اقتصادی نسبت به سال‌های گذشته به‌مراتب دشوارتر و سخت‌تر شده است. چرا که دلار از مرز ۱۵۰۰۰ تومان نیز گذشته به‌همین نسبت ارزش ریال به‌طور بی‌سابقه‌ای پایین آمده است.

در این میان، فشار دردآور افزایش قیمت خرید لوازم التحریر بیش از 60 درصد و فشارهای مضاعف بیش‌تر، پایین بودن قدرت خرید خانواده‌های محروم و کارگری تهدید و با ماندن کودکان آن‌ها از تحصیل است.

سیدمحمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش، 19 شهریور 1379، از تحصیل بیش از 14 میلیون دانش‌آموز در مدارس در سال جدید خبر داد و افزود: «تاکنون 97 درصد دانش‌آموزان در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود در دو هفته باقی‌مانده، دانش‌آموزانی که موفق به ثبت‌نام نشده‌اند اقدام کنند.»

اما ابطی، از این که چرا هر سال به‌آمار میلیونی کودکان بازمانده از تحصیل افزوده می‌شود؛ عدم ثبت نام کودکانی که یکی از والدین آن‌ها افغانی است؛ کسر بودجه آموزش و پرورش؛ عدم بازسازی مدارس ناام؛ گرانی وسایل و ابزارهای تحصیلی؛ شهریه بالا؛ پایین بودن حقوق معلمان، معلمان زندانی؛ عدم آزادی زبان‌های مادری و... سخنی نگفت. هر سال با نزدیک شدن به بازگشایی مدارس، تکاپو و استرس مردم برای خرید لوازم التحریر

لوازم التحریر بیش‌تر می‌شود، امسال اما با توجه به‌نوسان ارز و بالا رفتن بی‌سابقه قیمت دلار، عدم قدرت خرید مردم به‌ویژه برای مزدبگیران و محرومان پایین آمده و با صرفه‌جویی بیش‌تری نسبت به‌قبل همراه شده است. بسیاری از خانواده‌ها یا به‌دنبال تعاونی‌های ارزان قیمت هستند یا در تلاشند لوازمی که هنوز کارایی دارند را حفظ کرده و از خریدهای جدید اجتناب کنند.

در این روزها، نگرانی در چهره والدین کم درآمد موج می‌زند و نگاه‌های حسرت‌آمیز برخی کودکان و نوجوانان گویای این واقعیت تلخ است که در اثر فقر از رفتن به‌مدرسه باز مانده‌اند و یا افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها قدرت خرید مردم را به‌شدت کاهش داده است.

گرانی 3 تا 4 برابری اجناس، نایاب شدن برخی اجناس مانند مازیک و آبرنگ و کمبود و... خانواده‌ها را برای تهیه این لوازم دچار سختی کرده است. فعالان این حوزه معتقدند چیزی به‌اسم تولید داخل وجود ندارد و نزدیک به 70 درصد این بازار وارداتی است و با گرانی دلار تغییرات زیادی کرده است و مابقی هم مونتاژ داخل است که مواد اولیه آن‌هم وابسته به‌خارج است که باز هم این بازار را با آسیب‌پذیری زیادی مواجه می‌کند. مواد اولیه آن‌ها از کشورهای دیگر وارد می‌شود که با گران شدن دلار تغییرات زیادی در قیمت آن صورت گرفت.

تولید داخلی نیز نزدیک به صفر است و تنها تولید محصولات پلاستیکی و تزریق مواد به‌قالب‌ها خلاصه فعالیت تولیدی ایران می‌شود. اما در باقی محصولات بسیاری از مواد آن‌ها از خارج تأمین شده و در داخل کشور مونتاژ می‌شود؛ برای مثال در تولید خودکار، نوک و جوهر آن از کشورهای دیگر می‌آید و در ایران تنها لوله آن را ساخته و مونتاژ می‌کنند.

دو کشور اندونزی و چین که صادرات چوب مخصوص مداد را دارند تا چندی پیش واردات آن به‌مشکل برخورداری است.

در ایران، مازیک تولید داخل نداریم و واردات مداد تراش هم که قبلاً انجام و مونتاژ می‌شد، چندی‌هاست با مشکل مواجه شده و همین مسائل به‌گرانی و نایاب شدن این کالاها در این بازار منجر شده است.

به‌این ترتیب، واقعه مهر ماه امسال با همه سال‌های دیگر فرق می‌کند؛ از چالش قیمت‌ها گرفته تا کمبود نوک خودکار، چوب مداد و کاغذ دفتر و غیره.

این روزها لوازم التحریر از 70 تا 100 درصد گران‌تر شده و مردم بر خلاف سال‌های گذشته، خرید لوازم با کیفیت را کنار گذاشته و فقط لوازم ضروری آن‌هم با کیفیت پایین را می‌خرند. در این میان، حتی سرعت گرانی لوازم التحریر داخلی به‌دلیل کمبود مواد اولیه به‌مراتب بیش‌تر از اجناس خارجی بوده است. اگر یک فروشنده سال گذشته مغازه‌اش را با 20 میلیون تومان پر از جنس می‌کرده اما امسال با این مبلغ فقط می‌تواند چند کارتن جنس بخرد و روزبه‌روز اوضاع وخیم‌تر هم می‌شود.

تا امروز هر خودکار خارجی 5 هزار تومان، پاک‌کن 4 هزار تومان، مداد نوکی حدود 35 هزار تومان و مداد رنگی‌های 36 رنگ هم 75 هزار تومان بوده است. اما اکنون قیمت یک خودکار معمولی از هزار تومان شروع می‌شود و تا هفت هزار تومان و ده هزار تومان هم می‌رسد. دفترچه‌های 40 برگ هم از 2 هزار شروع شده و تا 5 هزار تومان می‌رسند. دفترچه 60 برگ از حداقل 3 هزار تومان تا 6500 تومان قیمت دارد و دفترچه‌های 100 برگ به‌بالا هم بسته به‌طرح جلد و تولید کننده آن، قیمت‌هایش از 6 هزار تومان شروع می‌شود. از مداد و دفتر گذشته، کیف و لباس فرم هم معمولاً بالای 400 هزار تومان آب می‌خورد.

در چنین شرایطی و با وجود فشارهای اقتصادی و معیشتی و سرکوب‌های سیاسی، بی‌تردید در سال تحصیلی جدید، مطالبات والدین دانش‌آموزان، معلمان و دانش‌آموزان از جمله آموزش رایگان، آزادی زبان‌های مادری، تغییر کتاب‌های درسی که بین دختر و پسر تبعیض قائل است، آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی، لغو هرگونه سانسور و اختناق، لغو اعدام، تأمین زندگی همه کودکان کار و خیابان، با اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی مطرح خواهد شد. مهم‌تر از همه، در این شرایط حساس و بحرانی‌تر شدن جامعه ایران، اعتراضات به‌سرکوب و سانسور، زندان و اعدام، فقر و فلاکت اقتصادی و فرهنگی که در بطن جامعه جریان دارد به‌مدارس نیز کشیده خواهد شد!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران

بیست و نهم شهریور 1397 - بیستم سپتامبر 2018

سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!